

### مقدمه ۳:

#### سحر در اصطلاح:

فقها معمولاً تعریف های دیگری ارائه کرده اند که بهتر بتواند مصداق را برای مخاطبان معلوم کند. فقهاء اهل

سنت به تعریف هایی پرداخته اند از قبیل:

«السحر نوع يستفاد من العلم بخواص الجواهر و... و تقترن به كلمات يتلفظ بها من الكفر و الفحش و

المخالف للشرع و يتوصل بها الى الاستعانة بالشياطين.» یا «السحر شرعاً مزاولة النفوس الخبيثة لاقوال او

افعال ينشأ منها امور خارقة للعاده» [مزاوله: عمل کردن]

یا «المراد بالسحر ما يستعان في تحصيله بالتقرب الى الشيطان مما لا يستقل به الانسان و ذلك لا يحصل الا

لمن يناسبه في الشراره و خبث النفس»<sup>۱</sup>

و همین نکته در کلمات فقهای شیعه هم مورد توجه بوده است:

«كلام او كتابة او رقية او اقسام او عزائم و نحوها بحيث يحدث بسببها ضرر على الغير»<sup>۲</sup>

مفتاح الكرامه در بحثی نسبتاً جامع می نویسد:

«عرفه الفقهاء بثلاثة تعاريف، أحدها: ما ذكره المصنّف هنا، و قد عرفّ بذلك حرفاً بحرف في

«التحرير» و التذكرة و إيضاح النافع و التنقيح و الكفاية و مجمع البحرين» و كذا «المنتهى» مع

زيادة عقد و «المسالك» مع زيادة أقسام و عزائم و لكنّه ذكر بدل قوله «أو يعمل شيئاً» قوله:

يحدث بسببها ضرر. و مثله «المفاتيح» و زاد في «الدروس» على ما في المسالك الدخنة و التصوير

و النفث و تصفية النفس، و كلّ ذلك مندرج في قول المصنّف «أو يعمل شيئاً».

و قال الشهيدان و الكاشاني: إنّ من السحر استخدام الجنّ و الملائكة و الاستنزال للشياطين في

كشف الغائبات و علاج المصاب و استحضارهم و تلبّسهم ببدن صبيّ أو امرأة و كشف الغائبات على

لسانه، انتهى، لكن قال في «المنتهى»: فأما الذي يقال من العزم على المصروع و يزعم أنه يجمع

الجنّ فيأمرها لتطيعه فهو عندي باطل لا حقيقة له و إنّما هو من الخرافات.

۱. ن ك: الموسوعة الفقهية، ج ۲۴، ص ۲۵۹.

۲. ن ك: الموسوعة الفقهية الاسلامي المقارن، ج ۱، ص ۴۳۹.



و قال الشهيد الثاني و الفاضل الميسي: إنَّ منه عقد الرجل عن زوجته بحيث لا يقدر على وطئها، و زاد المحقّق الثاني إلقاء البغضاء بينهما، و كأنَّ الأردبيلي متأملّ فيهما حيث نسبهما إلى القيل. الثاني: إنَّه عمل يستفاد منه ملكة نفسانية يقدر بها على أفعال غريبة و أسباب خفيّة، و هذا حكاية صاحب «التنقيح» و صاحب «إيضاح النافع».

الثالث: ما ذكره في «الإيضاح» و تبعه أيضاً صاحب «التنقيح» و هو استحداث الخوارق إمّا بمجرد التأثيرات النفسانية و هو السحر أو بالاستعانة بالفلكيّات فقط و هو دعوة الكواكب أو على تمزيج القوى السماوية بالقوى الأرضية و هو الطلسمات أو على سبيل الاستعانة بالأرواح الساذجة و هو العزائم. قال: و يدخل فيه الزيجيات، قالوا: و الكلّ حرام في شريعة الإسلام. و قال في «الإيضاح» أمّا ما كان على سبيل الاستعانة بخواصّ الأجسام السفلية فهو علم الخواصّ أو الاستعانة بالنسب الرياضية و هو علم الحيل و جرّ الأثقال، و هذان ليسا من السحر، انتهى.»<sup>١</sup>

توضیح:

١. تعریف اول (علامه در قواعد، تحریر، تذکره و هم چنین فخر المحققین، فاضل مقداد سبزواری و طریحی): «هو كلام يتكلم به او يكتبه او رقيه او يعمل شيئاً يوتر في البدن المسحور او قلبه او عقله من غير مباشرة».
٢. علامه در منتهی به این عبارت کلمه «عقد» را اضافه کرده است
٣. شهید ثانی و صاحب مفاتیح (فیض) کلمات «اقسام و عزائم» را اضافه کرده و به جای «يعمل شيئاً»، «يحدث بسببها ضرراً» را اضافه کرده است.
٤. شهید اول هم کلمات «دُخنه [دود کردنی]، تصویر، نفت [دمیدن] و تصفيه النفس» را اضافه کرده است (که اینها مصداق «يعمل شيئاً» در عبارت قواعد است)
٥. شهید ثانی و فیض کاشانی، استخدام جن و استخدام ملائکه و نازل کردن شیطان برای پیدا کردن چیزهای گم شده و معالجه بیماران و همچنین حاضر کردن آنها در بدن بچه ها یا زنان را از اقسام سحر دانسته اند.

١. مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة (ط - الحديثة)؛ ج ١٢، ص ٢٢٧.

۶. البته علامه در منتهی می نویسد که «آنچه رقیه و عزم بر دیوانه یا بیمار صرع (مصروع) خوانده می شود و می پندارد آن عزم، جن را جمع می کند و به او امر می کند تا او را اطاعت کند [ظاهراً یعنی کسی جن را در دیوانه داخل می کند تا آن جن آن ساحر را اطاعت کند (ضمیر «ها» به جن بر می گردد)]، از خرافات است»

۷. شهید ثانی و فاضل میسی، از اقسام سحر این را می داند که بر مرد بسته می شود که مراد از همسرش جدا شود [ما می گوئیم: مجمع البحرین می نویسد که برخی می گویند سحر تنها همین مقدار اثر دارد و بس] محقق ثانی، به این اضافه کرده است «دشمنی بین ایشان ایجاد می کند» ولی ظاهراً مرحوم اردبیلی این را قبول ندارد چون آن را به قیل نسبت می دهد.

۸. تعریف دوم: (حکایت از فخرالمحققین و فاضل مقداد) سحر عملی است که از آن ملکه ای نفسانی حاصل می شود که به وسیله آن قدرت بر کارهای عجیب و اسباب پنهان پدید می آید.

۹. تعریف سوم: (فخرالمحققین مطرح کرد و فاضل مقداد آن را پذیرفته است) ایجاد امور خارق العاده.

۱۰. اگر ایجاد امور خارق العاده فقط با قدرت نفسانی بود، سحر است و اگر فقط با کمک گرفتن از فلکیات بود: دعوت کواکب است

و اگر با قاطی کردن قدرت آسمانی با قدرت زمینی بود، طلسمات است و اگر از راه کمک گرفتن از ارواح بسیطه بود، عزائم است؛ که زیجات هم داخل در همین قسم است. [ما می گوئیم: صاحب جواهر به جای «یدخل فیه الزیجات» «یدخل فیه النیرنجات» را ضبط کرده است که مناسب تر است. (اگرچه ایشان این عبارت را به ایضاح نسبت داده است و در حالیکه در ایضاح نه زیجات ضبط شده است و نه نیرنجات، بلکه این لغت از تنقیح نقل شده است و در تنقیح هم آنچه آورده است: «نیرنجات» است زیجات ضبط شده است) ایشان «نیرنجات» را هم اظهار غرائب خواص امتزاجات و اسرار النیرین معرفی می کند.]<sup>۲</sup>

۱. مجمع البحرین، ج ۲، ص ۳۴۵.

۲. جواهر الکلام، ج ۲۳، ص ۱۴۰.

۳. جواهر الکلام، ج ۲۳، ص ۱۳۹.

۱۱. همه این ها حرام است ولی اگر کار خارق العاده، از راه کمک گرفتن از خواص اجسام زمینی باشد، سحر نیست و نام آن علم الخواص است و اگر از راه کمک گرفتن از نسبت های ریاضی بود، نام آن علم الحیل و جرّ الاتقال است و این هم سحر نیست.

ما می گوئیم: مرحوم کاشف الغطا ایجاد خوارق را سحر نمی داند، ظاهراً عبارت ایشان همان عبارت ایضاح است که از مفتاح الکرامه خواندیم.



درس خارج فقه ائمه اربعین